

فردای ایران چگونه ساخته می شود؟

محمد حسین صدیق یزدچی



113 سال پیش (1285 شمسی) فرمان مشروطیت صادر شد و بدنبال آن برای نخستین بار در تاریخ ایران قانون اساسی پدیدار گشت، و بر بنیان آن نظام سیاسی و نظام قانون گذاری مبتنی بر اراده ی مردم ایران، امّا در نوشتار، ثبت گردید. مشروطیت در صدد بود تا برای نخستین بار [دستکم در ایران بعد از

اسلامیزه شدن دو بنیان سیاسی عصر نوین یعنی «ملت» و «دولت» را در جامعه ای آسیائی و با فرهنگی مطلق دینی و استبدادی، عینیت و واقعیت بخشد. امّا به به رغم چند جنبش و خیزش و شورش و انقلاب خونبار در طول یک سدهء اخیر و از میان رفتن دهها و دهها هزار انسان ایرانی و به رغم تلاشهای فکری جدّی شماری از اندیشه ورزان ایرانی به ویژه در آستانه و در متن انقلاب مشروطه، امّا این دو بنیان ساختار سیاسی عصر نوین، یعنی «ملت» در مفهوم nation و «دولت» در مفهوم State، عینیت و واقعیت نیافت. به سخنی ایرانیان نتوانستند مفهوم «دولت» و «ملت» یا (دولت - ملت) را واقعیت بخشند. شوریخت تر و فاجعه بارتر آنکه 72 سال بعد از استقرار مشروطه و به سال 1357، ایران در پی انقلابی که جهان نگری شیعی با محوریت «ولایت» آنرا تغذیه می کرد، و با رهبری فقیهی شورشی و با ذهنیت اسطوره زده ی شیعی، به مفاک تاریخ تیره خود و عصر آغازین اسلام پرتاب گردید.

امروز و در پی سقوط های بیشمار سیاسی و فکری یک سدهء اخیر، امّا در جای جای ایران نسبت به تغییر سیاسی و گذر از سنت فکری دین مدار و استبدادهای تاریخی پنهان و آشکار، خیزشی به چشم می آید. بنظر می رسد که امروز ایرانیان به نظامی سیاسی می اندیشند که آن نظام، زندگی زمینی و تمام ملزومات زندگی فردی و اجتماعی دنیوی را در همه ی عرصه های سیاسی و اقتصادی و حقوقی و آموزشی و فرهنگی برای همگان تامین کند. به نظر میرسد که ایرانیان نظامی سیاسی و «دولت»ی را می خواهند که برآمده از خواست و اراده ی خردبنیاد جمعی باشد. به احتمال ایرانیان به تغییری سیاسی می

اندیشند که از درون آن و به ضرورت باید «دولت»ی متولد شود که پاسدار کلیه آزادیهای فردی و جمعی ایرانیان باشد. لذا و با توجه به سقوط های دستکم چهار دهه ی اخیر، اگر در میان ایرانیان نسبت به عناصر بازدارنده فرهنگ بسته ی ایرانی، اسلامی ولو محدود شناختی پیدا شده باشد، باری به نظر می آید که مردم ایران نظامی سیاسی می جویند که از هر باور یا اعتقادی قدسی مدار یا دینی و هر نظامی ایدئولوژیک مطلق گرا و اسارت جو، پیراسته باشد. «دولت»ی می جویند یا باید بجویند که فقط نماینده ی خواست آزاد و خردبنیاد جمعی یا نماینده ی «شهروندان» ایران باشد.

این همه اگر واقعیت و عینیت داشته باشد، به نظر میرسد که ایرانیان در این خواست و اراده جمعی سیاسی و آزادیخواهی دنیوی مدار خود و برای بار نخست و بعد از مشروطه، به بلوغی سیاسی دست می یابند، بلوغی که ساکنان جغرافیای ایران را به مقام «ملت» می رساند. زیرا و با ابتناء بر این امکان، امروز مردم ایران لزوما در جستجوی مقام «شهروندی» و حقوق «شهروندی» در مفهوم نوین citizen هستند یا باید باشند. این درک و شناخت نسبت به هویت «شهروندی» و «حقوق شهروندی» است که اعضای جامعه ی ایران را از توده هایی بی شکل و برده وار و دست آموز اراده ی غیر، یعنی از «امت»، به «ملت» ارتقاء میدهد. حال امروز و به شرط تحقق چنین تحولی مردم ایران «امت» نبوده و «ملت» می گردند.

مسئله ی پیش رو چنین است که : جنبش یک صدای امروز ایرانیان در شهرهای بزرگ و کوچک ابتدا گذر از نظام حاکم دینی را می جویند و سپس حاکمیتی سیاسی را استوار میدارند که حقوق طبیعی و کلیه ی آزادیها را برای همگان تامین کند. آنچه که مردم ایران را در پهنه ی جغرافیائی گسترده اش بهم پیوند داده یا می دهد آن، تنها نیازهای مادی و کم بود یا نبود مالی نیست، بلکه آن، آگاهی و درک واقع بینانه شان نسبت به هویت انسانی شان است. آگاهی به اهرم های بازدارنده و سرکوب فرهنگی شان است. پس مردم ایران می توانند با درک معنای سیاسی «شهروندی» به «شهروندان» ایران یک صدا مبدل شوند و شرایط آنرا در ایران واقعیت بخشند. در چنین خیزشی است که مردم ایران برای بار نخست، خود رهبران جنبش آزادی جوی خویش می گردند. رهبر اصلی خیزش امروز ایرانیان ندای «شهروندی» و تحقق حقوق شهروندی است. زیرا تحقق «حقوق شهروندی» است که جامعه ی ایران را به جامعه ای (سیویل) نوین مبدل خواهد کرد. در این میان فردا یا گروه های متشکل سیاسی داخل و خارج ایران هنگامی می توانند

جنبش عمومی را یاری رسانند که تنها و تنها به تحقق «حقوق شهروندی» ایرانیان بکوشند.

از این رو و برای نخستین بار در تاریخ معاصر ایران خیزش و خواست مطلق سیاسی و زمینی یا سکولر ایرانیان «تک» صداست و یک هدف بیش ندارد: اینکه امروز مردم ایران یگانه و متحد مبدل به «ملت» میشوند و در کار تحقق حقوق «شهروندی» خویش اند. شهروندانی که میروند تا در فردای پاشیدن نظام حاکم دینی بر ایران، با تکیه بر حقوق شهروندی خویش «دولت» نوین را خلق کنند. «دولت»ی که شهروندان بنا بر حقوق طبیعی سیاسی خویش و بنا بر اراده‌ی خردبنیاد خویش، حق مدیریت جامعه را بدو می‌سپارند. «دولت» مدرنی که از درون جنبش امروز ایران متولد شود، عمل سیاسی اش تحقق راستین حقوق شهروندی یعنی کلیه حقوق طبیعی و واقعیات یافتن تمامی آزادیهای فردی و جمعی ایرانیان است. برای چنین «دولت»ی ایرانیان شهروندان ایران اند و نه «امت» اسلامی. چنین دولتی البته «دولت مدرن» یا «دولت قانون مدار» است.

در این نوشتار لازم می‌بینم ویژگی‌های ساختاری مفهوم «شهروند» را به اشاره بنویسم تا خواننده نسبت به معنای آن درک روشنی داشته باشد. 1- «شهروند» کسی است که بر مبنای اراده یا خواست عقل مدار و آزاد خود، آزاد از هر گونه بینش یا نظامی دینی یا ایدئولوژیک، در زندگی سیاسی کشور خود حضور و دخالت آگاهانه دارد. 2- «شهروند» کسی است که همراه شهروندان دیگر در پدید آوردن یا نهادن «قانون» [قانون برآمده از درک عقلی و تجربی، آزادانه و بدون دخالت هر نوع قیسم، مثل باورها یا اعتقادات دینی، نفوذ هویت‌ها یا شخصیت‌های قدسی مدار و...] شرکت دارد. 3- «شهروند» کسی است که آزادانه و در امنیت انتخاب می‌کند و آزادانه و در امنیت انتخاب می‌شود. 4- «شهروند» کسی است که چون در پیدایش قانون شرکت دارد، به ضرورت چنین مشارکتی باید از آن اطاعت کند. به سخنی شهروندان جامعه‌ای اینگونه فقط تحت سیطره «قانون»، قانون برآمده از اراده‌ی خرد بنیاد جمعی خواهند بود. جامعه‌ای که اعضای آن شهروندان جامعه نامیده شوند جامعه‌ای «سیویل» یا «مدنی» نامیده می‌شود. مجموعه‌ای اینگونه از شهروندان جامعه ضمن تحقق حقوق شهروندی شان، باری به «ملت» ارتقاء می‌یابند.

بدین قرار با خیزش درخشان امروز، فرد ایرانی از وضعیت انفعالی passive «امت» به وضعیت فعال active «ملت» تغییر می‌یابد. ایرانیان «ملت» می‌شوند، زیرا خود و خویشان و با خرد

مستقل خود انسان بودن خویش را تعین می بخشند. انسان ایرانی امروز به خود و حقوق طبیعی خود «آگاه» می گردد. انسان ایرانی امروز می داند که اراده خردبنیاد او و نه ایمان یا باورش، بنیان مشروعیت قدرت سیاسی، یعنی حاکمیت دولت است. می داند که خواست مبدئی ربوبی (خداوند) یا نمایندگان زمینی آن هیچ نقشی در «قانونیت» یافتن legitimacy «دولت» ندارد. تحقق (دولت - ملت) مدرن در ایران حتی نیازی به مظهر یا نماد گذشته ی تاریخی مثل پادشاه هم ندارد. کوتاه سخن آنکه ایرانیان به پا خاسته اند و برپای خویش ایستاده اند و راه تحقق اراده ی خردبنیاد خود را تا رسیدن به جامعه ای آزاد و تحقق قطعی «ملت» و سپس پیدایش «دولت» چونان نماینده اراده «ملت» ادامه خواهند داد.

پاریس 21 ژانویه 2020

محمد حسین صدیق یزدچی